

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۵

بررسی تشبیه در اشعار انوری ابیوردی

(ص ۲۴۷-۲۲۹)

فریبا قره داغی کراهه (نویسنده مسئول)^۱، حسین خسروی^۲

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

از میان صور خیال که مهمترین وجه تمایز سخن ادبی از غیر آن است، «تشبیه» جایگاه خاصی دارد. زیبایی این عامل تصویرآفرین هر شاعر و خواننده‌ای را مجذوب خود میکند؛ بگونه‌ای که شاید بتوان گفت که هیچ صاحب کلامی را نمیتوان یافت که از کنار این عنصر اصلی خیال براحتی گذشته باشد، بی‌آنکه بهره‌ای از آن نگرفته و سخن خود را بزینت آن نیاراسته باشد. از میان شاعران و سخن‌سرایان ادب پارسی، انوری ابیوردی در این باب دستی تمام دارد و از مهارتهای ریز و درشت آن نصیبی وافر. بر همین اساس، در این جستار، تشبیهات دیوان وی با هدف آشنایی با بخشی از مواد سازنده تصاویر شعری و چگونگی کاربرد آنها مورد بررسی قرار گرفته و در پایان جداول آماری نیز از آنها ارائه شده است. بررسیها در این پژوهش نشان میدهد که انوری از میان موضوعات مختلف مواد تشبیه، در اخذ مشبه به کاربرد «ممدوح و متعلقات وی» تمایل بیشتری داشته و عناصر مشبه به را از موضوعات متعدد و گوناگونی برگزیده است. او از تشبیهات فشرده و اضافه تشبیهی، تشبیه مفرد به مفرد و حسی به حسی بیش از دیگر انواع استفاده کرده و از نظر ساختار ظاهری، تشبیه مفروق را با بالاترین بسامد در اشعارش بکار برده است.

کلمات کلیدی: صورخیال، تشبیه، ساختارهای تشبیهی، انوری ابیوردی، بسامد.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

f.gharehdaghi7039@gmail.com

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

h_khosravi2327@yahoo.com

مقدمه

یکی از جلوه‌های ذوق هر شاعر بزرگی، قدرت تخیل اوست که شاعر هنرآفرین با روحی لطیف و حساس از پدیده‌های زیبای طبیعت متأثرگشته و تصویرهای خیال‌آمیز می‌آفریند؛ عبارت دیگر «خیال‌شاعرانه، با یاری گرفتن از عنصر تصویر، بسیاری از امور ذهنی را دیداری میکند و تصورات خود را از این راه به تماشا می‌گذارد.» (حسن لی، ۱۳۸۳: ۲۸۲). تجسم این موضوعات ذهنی و عاطفی توسط شاعر موجب می‌گردد تا خواننده بتواند بوسیلهٔ جریانات پنهانی روح شاعر را در برخورد با اشیا و مسائل هستی دریابد که این امر طبعاً در قالب «تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه» خودنمایی میکند؛ بطوری که «عبدالقاهر جرجانی، آنها را به مانند مرکز و نقطه‌هایی میداند که تصرف در معانی برگرد آنها می‌گردد.» (رستگارفسایی، ۱۳۶۲: ۱۴). از میان این عناصر، تشبیه بعنوان مؤثرترین ابزار تخیل «هستهٔ اصلی و مرکزی خیالهای شاعرانه است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف میکند و در صور مختلف به بیان درمی‌آورد.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴). تشبیه اولین عامل تصویرآفرین در مباحث بیانی است که شاعر بوسیلهٔ آن جهان را زیباتر از آنچه هست، نشان میدهد. بطور کلی میتوان گفت، از ویژگیهای خاص تشبیه همراه بودن با گونه‌ای خلاقیت و کشف راز همانندی در اشیاست و اصولاً نتیجهٔ طبیعی قرار گرفتن در فضای هر تشبیه، لذت، خوشی روح و اعجاب و حیرت‌زدگی است. «تجربه نشان میدهد که بلاغت و شگفتی تشبیه ناشی از پیوندی است که گویندهٔ سخنور بین یک چیز معمولی و یک امر عالی و خیالی و موجودی شگفتی و ممتاز به بهترین تعبیر برقرار میکند و ما را از عرصه‌ای پست به پهنه‌ای متعالی میرساند و در این گره خوردگی و انتقال، ما را به اوج اخلاق یا علم و بصیرت یا آزادی و کمال میکشاند و با بال تخیل و اندیشه، وجود ما را پیوسته در معرض نسیم کائنات و اهتزاز معنویت و در عرصه بیکرانگی قرار میدهد.» (تجلیل، ۱۳۸۵: ۵۸).

با توجه به این مقدمه درمی‌یابیم که بررسی تطور و تکامل این حادثهٔ هنری؛ یعنی استفاده از تشبیه در تاریخ ادبیات ملتها ضرورت دارد تا بدانیم شکل‌های خیالی با چه ابزارهایی نشان داده می‌شوند، از این روی راقم این سطور برای تحقق بخشیدن به ضرورت فوق، به بررسی تشبیه در دیوان انوری از زوایای مختلف و ترسیم جداول مرتبط با بحث پرداخته است. بررسی این عنصر تخیل - که در اشعار انوری از تنوع و گستردگی بسیاری برخوردار است - نشان میدهد که اغلب تشبیهات این شاعر تصویرگرا بصورت فشرده؛ یعنی بدون ادات تشبیه و وجه شبه (بلیغ) بکار رفته است؛ چرا که «شعر فارسی، به لحاظ تصویری، حرکتی خاص دارد که اگر فاصله عصر رودکی تا ازرقی یا ابوالفرج رونی را در نظر بگیریم، از تفصیل بسوی اجمال و از گستردگی بسوی فشرده‌گی و از روشنی بسوی ابهام در حرکت است... و این حرکت از گستردگی بسوی فشرده‌گی در عصر انوری به آخرین مراحل خود میرسد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۶۰).

پیشینه تحقیق

پیشتر پایان نامه‌هایی تحت عنوان « بررسی مراتب تشبیه » در قصاید انوری» از نبی الله عرب خزانلی در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز (۱۳۷۷) و «بررسی تشبیه در دیوان اشعار انوری» از مریم قویدل در دانشگاه زنجان (۱۳۸۸) نوشته شده است. در این پایان نامه‌ها اولاً: به عناصر و مواد تشبیه و همچنین انواع تشبیه از نظر ساختار شکل ظاهر پرداخته نشده است، ثانیاً: بسامد و آماری از بررسیها ارائه نگردیده است. بنابراین، این مقاله در مقایسه با تحقیقات صورت گرفته، پژوهشی است جامع و کامل.

تشبیه در اشعار انوری ابیوردی

۱- عناصر تشبیه

عناصری که شاعر در جهت ساخت تشبیه از آنها بهره گرفته است، به دوازده بخش کلی قابل تقسیم است:

۱-۱- ممدوح (معشوق) و متعلقات وی

تشبیهاتی که مشبه آنها مربوط به ممدوح یا معشوق است، خود به اقسام دیگری تقسیم میشود: الف) تشبیهاتی که مشبه آنها خود ممدوح است. ب) تشبیهاتی که مشبه آنها اعضای بدن ممدوح است. پ) تشبیهاتی که مشبه آنها، اندیشه، افکار، حالات، خوی و خصلت و مهارت ممدوح است. ت) تشبیهاتی که مشبه آنها متعلقات مادی ممدوح است. ج) تشبیهاتی که مشبه آنها، دشمن یا خصم ممدوح است. چ) تشبیهاتی که مشبه آنها اعضای بدن خصم ممدوح است. ح) تشبیهاتی که مشبه آنها، اندیشه، افکار، حالات و خوی و خصلت ممدوح است. خ) تشبیهاتی که مشبه آنها، متعلقات خصم ممدوح است. مشبه‌به‌های اینگونه تشبیهات، اغلب، امور انتزاعی، جانداران، اشیا، اجرام آسمانی و عناصر طبیعی هستند.

این بخش، بیشترین بسامد؛ یعنی ۴۶/۸۹ در صد از تشبیهات انوری را در مشبه بخود اختصاص داده است.

از بیم سپاهش <u>سپاه خصم</u>	چون <u>مور</u> نهان گشته در زمین (قصه / ص ۳۷۴)
<u>مهر مهر</u> تو بر نگین دلست	تاج عهد تو بر سر جانم (غصه / ص ۸۸۸)
باد پیوسته از سرشک حسد	روی بدخواه تو چو پشت پلنگ (قطعه / ص ۶۷۱)

۱- علائم اختصاری بکار رفته در این پژوهش: قص (قصیده)، غ (غزل)، قط (قطعه)، رب (رباعی) .

بنمای به من تو آن رخ مهوش خویش هان تا نبرم آب تو از آتش خویش
(ر/ص ۱۰۰۲)

۲-۱- معنویات و مفاهیم مجرد و انتزاعی

این بخش شامل حالات درونی انسان و متعلقات معنوی او، و در واقع، امور ناملموس مانند رنج، غم، امید، اندیشه، مرگ، عشق، صبر، طبع و ... میشود. اینگونه تشبیهات با ۲۲/۴۸ درصد در دیوان انوری، بسامد بسیار بالایی را بعد از «ممدوح و متعلقات وی» بخود اختصاص داده است. اغلب این تشبیهات، بلیغ، مفرد به مفرد و عقلی به حسی است. مشبهه‌های این نوع تشبیه را عناصر گوناگونی تشکیل میدهد.

هندویی کز مژگان کرد مرا لاله قطار سوخت از آتش غم جان مرا هندووار
(قص/ص ۱۶۵)

خرد چو مورچه در تشمت حیرتست از آنک مدبران را تدبیر تشمت و خایه نماند
(قط/ص ۶۱۲)

در آن دریا شدستم غرقه کانجا به جز غم میندینم ساحل خویش
(غ/ص ۸۶۵)

هر تیر جفا که داری اندر ترکش چون سر ز وفا نمیکشم گردنکش
(ر/ص ۱۰۰۰)

۳-۱- طبیعت و عناصر طبیعی

این نوع تشبیهات در دیوان شاعر از تنوع خاصی برخوردار بوده و اغلب از نوع حسی به حسی است. انوری مانند بسیاری از شعراء با استفاده از عناصر طبیعت توانسته، ظریفترین حالات و تجربه‌های روحی خود را بتصویر بکشد. وی در اینگونه تشبیهات، از عناصر گوناگونی بعنوان مشبه به استفاده کرده است. بسامد این نوع تشبیهات در دیوان انوری ۸/۰۸ درصد است.

مادر باغ سترون شد و زادن بگذاشت چه کند نامیه عتین و طبیعت عزبست
(قص/ص ۴۹)

خویشتن را دیدمی بر تیغ کوه گفتی سنگ او لعل و نباتش عود و خاکش عنبرست
(قط/ص ۵۳۹)

هم ابر به دست درفشانت ماند هم برق به تیغ جان ستانت ماند
هم رعد به کوس قهرمانت ماند هم ژاله به بباران کمانت ماند
(ر/ص ۹۷۹)

۴-۱- شاعر (انوری) و متعلقات وی

در اینگونه تشبیهات، انوری، خود، شعر، خوی و خصلت، افکار و اندیشه، اعضای بدنش و بطور کلی متعلقاتش را به عناصر گوناگونی تشبیه کرده است که اغلب با تفاخر همراه است. مشبهه‌های

بکار رفته در این نوع تشبیه، جانداران، عناصر طبیعی، اشیا و ... است. این نوع تشبیهات ۶/۲۲ درصد از کل تشبیهات دیوان انوری را بخود اختصاص داده است.

شایسته کنار کبریا را (قص/ص ۶)	آراسته نظم من عروسیست
چشمم از خونابه دریا کرده‌ای (غ/ص ۹۰۹)	کشتی صبرم شکسته از غمت
خاطرم لاجرم چون آب زرست (قط/ص ۵۳۹)	ز آتش عشق سیم نیست مرا

۱-۵- افلاک و اجرام آسمانی

بسامد اینگونه تشبیهات در دیوان شاعر ۵/۷۸ درصد است که با مشبهه‌های متنوعی بکار رفته است.

از حزم و عزم خویش درنگ و شتاب خواه (قص/ص ۴۰۷)	چون خاک بی‌درنگ شود چرخ بی‌شتاب
هر لحظه ز آستان در خیزد (غ/ص ۸۱۶)	مه چون سگ پاسبانان ار خواهی
که به شاگرد حقه باز رسد (قط/ص ۶۰۵)	مه‌ره و حقه است ماه و سپهر
خورشید می نشاط نظاره او (ر/ص ۱۰۲۲)	آن ماه که ماه نو سزد یاره او

۱-۶- جایها و مکانها

این عناصر در شعر اغلب شاعران در ساخت تشبیه کاربرد فراوانی دارند. انوری نیز از زمره این سخنوران است که از این عنصر ۱/۲۲ درصد استفاده کرده و مشبهه‌های آن را عناصر گوناگونی قرار داده است.

اندر ازای مجلس شه بلخ چاه تست (قص/ص ۵۴)	یوسف نئی نه پیژن اگر نه بگفتمی
خانه با رنگ او گلس‌تانسست (غ/ص ۷۸۴)	مجلس از بوی او سمن زارست
مثل آن حاصل نیاید بحر ملک و کان دین را (قط/ص ۵۱۸)	کردگارش درخوری این دو گوهر داد و هرگز

۱-۷- اشیا و ابزار و آلات

در این نوع تشبیهات، مشبهه یک شی و مشبهه عناصر متعددی؛ مانند اعضای بدن، طبیعت، جانداران و مفاهیم انتزاعی است. اشیایی که در حوزه تشبیهات انوری وارد شده‌اند، معمولاً سه گونه‌اند:

- الف) ابزار و آلات جنگی؛ مثل ترکش، تیر، خنجر، رمح، شمشیر، نیزه و ...
 ب) اشیای بزمی؛ مانند بربط، دف، چنگ و ...
 ج) اشیایی که در پیرامون شاعر بوده است؛ مانند الماس، بند، زورق، قلم و ...
 بسامد این تشبیهات در اشعار انوری ۰/۹۷ درصد است.

خالی از ورد ثنای تو مبادا سخنی تا قلم را چو زبان ورد سخن مورودست
 (قص/ص ۵۷)

هزار زورق خورشید شکل بر سر آب بر آن صفت که پراکنده بر سپهر شرر
 (قص/ص ۲۱۳)

از لاله رمح و سبزه خنجر در باغ مصاف کرده نوروزی
 (قط/ص ۷۴۳)

۱-۸- مهجو و متعلقات آن

این نوع تشبیهات با ۰/۹۷ درصد جزء تشبیهاتی هستند که در دیوان انوری بسامد چندانی ندارند. مشابه اینگونه تشبیهات اغلب جانداران، حیوانات و اجرام آسمانی است.

سادساً این ثقیل مفسد غر کز گرانی چو کوه بعلموسیست
 (قط/ص ۵۶۷)

خوان خواجه کعبه است و نان او بیت الحرام نیک بنگر تا به کعبه جز به رنج تن رسی
 (قط/ص ۷۴۴)

ای گنده دهان چو شیر و چون گرگ حرون چون خرس کریه شخص و چون خوک نگون
 چوون بسوزنه سخره و چو کفتار زبـون چون گربه دهن دریده و چون سگ دون
 (ر/ص ۱۰۲۱)

۱-۹- اعضا و جوارح انسانی

این نوع تشبیه با ۰/۸۰ درصد نادرترین تشبیهات دیوان شاعر است. این تشبیه‌ها به همراه مشابه‌های گوناگونی بکار رفته است.

چو بارگاه تو را پر شود ورق ز حرف در آن ورق الف قدّ خسروان نون باد
 (قص/ص ۱۱۲)

ای دریغ آن بر چو سیم س پیید که فروشی همه به سیم سیاه
 (قط/ص ۷۱۳)

در منزل دل غم تو می‌آید و بس در سکنه جان غم تو می‌آید و بس
 (ر/ص ۱۰۰۰)

۱-۱۰- نوشیدنیها

اغلب این تشبیهات به صورت مفرد به مفرد مقید است. بسامد آن در دیوان انوری ۰/۷۲ درصد است.

پیشش آوردم شراب لعل چون چشم خروس نزدش آوردم کمربندی مرصع از گهر
(قط/ص ۶۵۱)

بادهای چون دم سیاووشان سرخ نه تیره چون چه بیژن
(قط/ص ۷۰۴)

۱۱-۱- جانوران و حیوانات

گاهی انوری برای تصویر آفرینی، از جانوران، حیوانات و اعضای آنها بهره برده است. این عناصر در میان اشعار انوری حدود ۳۷٪ درصد از تشبیهات وی را از لحاظ مشابه در بر میگیرد. مشابه به این عناصر، امور انتزاعی، حیوانات و اشخاص است.

باز در پرده‌الوان بلبل مطرب بزمگه بستانست
(قص/ص ۷۹)

اندین شدت گرما که ز تأثیر تموز بانگ جزد از تف خور شید چو نفخ صورت
(قط/ص ۵۴۵)

۱۲-۱- موضوعات متفرقه

برخی از تشبیهات دیوان انوری بدلیل تنوع در هیچ یک از طبقات ذکر شده نمیگنجد، بهمین دلیل اینگونه تشبیهات تحت عنوان «موضوعات متفرقه» بیان شده است. اغلب این تشبیهات، مرکب به مرکب و مرکب به مفرد است.

زهی دست وزارت از تو معمور چنان کز پای موسی پایه‌طور
(قص/ص ۲۲۹)

آنچه با من ز لطف کرد امروز در بهار آفتاب با گل کرد
(قط/ص ۵۹۸)

آمال و نسیم و بوی خلق تو یعقوب و نسیم و بوی پیراهن
(قط/ص ۷۰۶)

جدول شماره ۱: موضوعات مشابه و مشابه به، بسامد و درصد مشابه

موضوع مشابه	بسامد	درصد	موضوع مشابه به
ممدوح (معشوق) و متعلقات وی	۱۸۷۵	۴۶/۸۹	عناصر طبیعی، حیوانات، اشیا، اجرام آسمانی، عناصر انتزاعی، اسطوره‌های ملی و مذهبی، جانداران، موضوعات گوناگون

اشیا، عناصر طبیعی، عناصر انتزاعی، جانداران، اسطوره‌های مذهبی	۲۲/۴۸	۸۹۹	معنویات و مفاهیم مجرد و انتزاعی
عناصر طبیعی، اشیا، اشخاص، اعضای بدن، جانداران، عناصر انتزاعی، اسطوره‌های ملی، اجرام آسمانی	۸/۰۸	۳۲۳	طبیعت
جانداران، عناصر طبیعی، اشیا، اجرام آسمانی، اسطوره‌های ملی و مذهبی	۶/۲۲	۲۴۹	شاعر و متعلقات وی
اشیا، اشخاص، اعضای بدن، جانداران، عناصر انتزاعی، اسطوره‌های مذهبی، اجرام آسمانی	۵/۷۸	۲۳۱	افلاک و اجرام آسمانی
عناصر انتزاعی، عناصر طبیعی، اجرام آسمانی، اشیا	۱/۲۲	۴۹	جایها و مکانها
جانداران، اجرام آسمانی، عناصر گوناگون	۰/۹۷	۳۹	مهیجو و متعلقات آن
اشیا، عناصر طبیعی، جانداران، عناصر انتزاعی، اسطوره‌های مذهبی	۰/۹۳	۳۷	اشیا و ابراز و آلات
اشیا، عناصر طبیعی، حروف الفبا، اجرام آسمانی	۰/۸۰	۳۲	اعضا و جوارح انسانی
عناصر طبیعی، عناصر طبیعی	۰/۷۲	۲۹	نوشیدنیها
عناصر انتزاعی، حیوانات، اشخاص	۰/۳۷	۱۵	جانوران و حیوانات
عناصر انتزاعی، اشیا، عناصر طبیعی	۵/۵۳	۲۲۱	موضوعات متفرقه
	۱۰۰	۳۹۹۹	مجموع

۲- تشبیه به اعتبار طرفین

۲-۱- تشبیه حسی به حسی

این نوع تشبیهات هر چند ساده‌ترین نوع تشبیه به شمار می‌روند، ولی ارزش هنری خاص خود را دارند؛ زیرا « لازمۀ ایجاد آنها فعالیت ذهنی نویسنده برای برقراری ارتباط میان دوشی ظاهراً بی‌ارتباط است.» (پورنامداریان، ۱۳۵۷: ۸۹).

این تشبیه در دیوان انوری بالاترین بسامد؛ یعنی ۶۳/۹۹ درصد را بخود اختصاص داده است؛ چرا که انوری نیز همانند شاعران دوره غزنوی و سلجوقی، بویژه شاعران درباری، شاعر توصیف امور عینی و خارجی است تا امور متافیزیکی و معانی مجرد.

بنفشه زلف و سمن عارضین و سیم ذقن (قص / ۳۶۹)	فروید ازو به دو منزل کنیز کی دیدم
زینت بوسستان بخواهد برد (غ / ۸۰۷)	نرگس چشم و سرو قامت تو
که گر نیارمت از سبزه دمن بترم (قط / ۶۸۵)	زبان چو لاله به گرد دهان درافگندی
از هفت فلک به یک زمان چارده طاس (راص / ۹۹۹)	زیرا که کنی به خنجر چون الماس

۲-۲- عقلی به حسی

شاعر در این نوع تشبیه میگوید تا امور ذهنی و انتزاعی را با اشیای مادی و امور محسوس گره زند؛ زیرا « تصویر آنگاه جنبه هنری پیدا میکند که معقولی را با محسوس پیوند دهد. » (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹). این نوع تشبیه، بعد از تشبیه حسی به حسی، بیشترین بسامد؛ یعنی ۲۴/۰۶ درصد از تشبیهات انوری را در بر میگیرد.

ریشک فزاید نگارخانه چین را (قص / ۱۴)	باغ وجود از بهار عدل تو چنانک
راستی باید نه گل ، خاری نماند (غ / ۸۳۰)	گل نماند اندر همه گلزار عشق
از هر قدمی برویدت صد گلزار (قط / ۶۴۸)	با خار قناعت ار بسازی یک بار
چشمم ز سرشک هیچ دم خشک مکن (راص / ۱۰۲۰)	جانا لبم از شراب غم خشک مکن

۲-۳- حسی به عقلی

در این نوع تشبیه، شاعر امور مادی و محسوس را به امور عقلانی و انتزاعی مانند میکند. شاعر « بی شک میخواهد ارزش بیشتری به مشبه ببخشد و آن را والاتر از آنچه که هست، نشان دهد. » (احمدنژاد، ۱۳۷۴: ۸۶). این نوع تشبیه ۷/۹۸ درصد از کل تشبیهات انوری را بخود اختصاص داده است:

گر آفتاب امان یا بد از کسوف و زوال (قص / ۲۸۵)	چو رای روشن او باشد آفتاب سپهر
حریفانی چو بختت جمله برنا (قط / ۵۱۴)	به اقبال تو دارم عشرتی خوش

در آرزوی خواب شب از بهر خیالت حقا که تنم را ست چو در خواب خیالی است
(غ / ۷۹۰)
چون بنشینی خوی بدت گوید خیز نا آمده بهتری تو چون دولت تیز
(ر/ص ۹۹۸)

۲-۴- عقلی به عقلی

در این نوع تشبیه، شاعر امری عقلی را به امری عقلی تشبیه میکند؛ یعنی امری که در محدوده حس و تجربه انسان قرار نمیگیرد را، به کمک امری عقلی در ذهن تبیین میکند. «این نوع تشبیه قاعدتاً نباید وجود داشته باشد، زیرا از مشبه عقلی، وجه شبه روش و صریحی اخذ نمیشود تا حال مشبه را به کمک آن دریابیم.» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۷۸). سهم این نوع تشبیه در اشعار انوری کمتر از انواع دیگر است؛ یعنی ۳/۹۷ درصد.

شرفش همچو طبع گردون خاص کرمش همچو جور گیتی عام
(قص/ص ۳۱۲)
باز به یک وسوسه دیو عشق بار دگر با سر دیوان شوم
(غ/ص ۸۹۴)
آن شهاب است کلک مسرع تو که ازو هیچ دیو فتنه نجست
(قط / ۵۴۹)
چون حسن تو رنج من به عالم سمرست کارم چو سر زلف تو زیر و زبرست
(ر/ص ۹۵۶)

جدول شماره ۲: بسامد و درصد انواع تشبیه باعتبار طرفین

نوع تشبیه	حسی به حسی	عقلی به حسی	حسی به عقلی	عقلی به عقلی	مجموع
تعداد	۲۵۵۹	۹۶۲	۳۱۹	۱۵۹	۳۹۹۹
درصد	۶۳/۹۹	۲۴/۰۶	۷/۹۸	۳/۹۷	۱۰۰

۳- انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین

۳-۱- مفرد به مفرد

۳-۱-۱- مفرد مجرد به مفرد مجرد

در این نوع تشبیه، مشبه و مشبه‌به، هر دو مفردند. تشبیهات دیوان انوری اغلب از این نوع است و شاعر همواره یک چیز را از جهات مختلف به چیز دیگر مانند میکند. میزان استفاده انوری از این نوع تشبیه ۴۱/۷۱ درصد است.

تا چو تیر است کار دولت تو	بی‌زبان است خصم چون سوفار (قص/ص ۱۹۴)
اشک چو سیم داری و روی چو زر ازین غم	کاندر خورجمال و رخت سیم و زر ندارم (غ/ص ۸۷۹)
زن چو میغست و مرد چون ماهست	ماه را تیرگی ز میغ بود (قط/ص ۶۳۰)
چون بندگی شهت نمیآید خوش	با ملک چو آب و دولت چون آتش (راض ۱۰۰۱)

۳-۱-۲- مفرد مقید به مفرد مجرد

مفرد مقید به مفردی میگویند که همراه آن یک کلمه، صفت، مضاف‌الیه یا قید دیگری آمده باشد. بسامد این نوع تشبیه از میان تشبیهات انوری ۳۰/۹۳ درصد می‌باشد.

قد اعدا ز عنا خفته همی دار چو لام	دل حساد به غم رخنه همی دار چو سین (قص/ص ۳۹۲)
در عذر و گره موی ببند و بگشای	که پذیرای گره شد تنم از مویه چو موی (غ/ص ۹۴۳)
ای کریمی که در عطا دادن	خاک پایت مرا به سر تاجست (قط/ص ۵۲۹)
ای جاه تو چون سماک و عالم چو سمک	یک شقه ز نو بتی جاه تو فلک (راض ۱۰۰۳)

۳-۱-۳- مفرد مجرد به مفرد مقید

در این نوع تشبیه مشبه مفرد، همراه مشبه‌به مقید آورده میشود. میزان این تشبیه در دیوان انوری ۶/۴۸ درصد است.

بر من آمد خورشید نیکوان شبگیر	به قد چو سرو بلند و به رخ چو بدر منیر (قص/ص ۲۵۰)
روی چون ماه آسمان داری	قد چون سرو بوستان داری (غ/ص ۹۲۱)
ما چو قرص ارزن و حوت غدیر	تو چو قرص آفتاب و برج حوت (قط/ص ۵۸۰)
هم طبع ملول گشت از آن شعر چو آب	هم رغبت از آن شراب چون آتش ناب (راض ۹۴۷)

۳-۱-۴- مفرد مقید به مفرد مقید

شاعر در اینگونه تشبیهات با مقید کردن طرفین تشبیه بر جنبه توصیفی، تصویری و تخیلی تشبیه میافزاید. این نوع تشبیه ۱۲/۵۸ درصد از تشبیهات انوری را بخود اختصاص داده است.

قلم توست که چون کلک قضا

ایمن از شـبهت و از طغیانست
(قص / ص ۸۱)

با سخـنهای تلخ چون زهرت

عیش من خوشتر از شکر باشد
(غ / ص ۸۱۸)

شود چو غنچه گل چاک ترک دشمن تو

گرش بنام تو بر سر ززند خنجر بید
(قط / ص ۶۴۳)

اندوه تو چون دلیم به شادی نگذاشت

آخر ز وفاش باز نتوانی داشت
(ر / ص ۹۶۲)

۲-۲- تشبیه مرکب به مرکب

«تشبیه مرکب به مرکب از فاخرترین انواع تشبیه است که صحنه‌ای را با عنا صر گوناگونش به صحنه‌ای مانند میکند.» (تجلیل، ۱۳۸۵: ۴۶).

میزان کاربرد این نوع تشبیه در اشعار انوری با ۴/۹۳ درصد نسبت به تشبیهات مفرد به مفرد کمتر است که این نشان‌دهنده این مطلب است که انوری چندان تمایلی به استفاده از این نوع تشبیه برای خیال‌انگیز کردن تصاویر خود نداشته و کوشیده است اندیشه‌های خود را با تصاویر ساده و تکراری مطرح کند.

لاله بر شاخ زمرد به مثل

قدحی از شبه و مرجانست
(قص / ص ۷۹)

خط تو بر خد تو چو بر شیر پای مور

زلف تو پر رخ تو چو بر می پر غراب
(غ / ص ۷۷۰)

زان می آسوده کز پیاله بتابد

چون ز بلور سپید، بسند ساده
(قط / ص ۷۱۶)

۳-۳- مرکب به مفرد

بسامد این نوع تشبیه ۱/۴۷ درصد است.

چهره باغ ز نقاش بهار

به نکویی چو نگارستان است
(قط / ص ۷۱۶)

زبان بود درکامها بی تو خنجر

نظر بود در دیده‌ها بی تو پیکان
(قص / ص ۳۵۹)

۱-۳-۲- مرکب به مفرد مقید

این تشبیه ۰/۷۲ درصد از کل تشبیهات دیوان شاعر را بخود اختصاص داده است.

در آشیان عقل چو عنقای مغربم بر آسمان فضل چو خورشید ازهرم
(قص/ص ۳۲۹)
گفتی که لعل ناب و عقیق گداخته است در جام او ز عکس رخ او شراب خام
(غ/ص ۸۶۷)
روزم از دود آتش تقدیر تیره چون طره سیه مویان
(قط/ص ۷۰۳)

۳-۴- مفرد به مرکب

۰/۳۵ درصد تشبیهات انوری به این نوع تشبیه اختصاص دارد.
چو دارم حلقه عهد تو درگوش به یک جرمم مزن چون حلقه بر در
(قص/ص ۲۲۷)
وزان نشاط که آن نظم ازو منقح شد چو سرو نو ز صبا پای حال میکوبم
(قط/ص ۶۷۸)

۳-۴-۱- مفرد مقید به مرکب

این نوع تشبیه ۰/۸۳ درصد در تشبیهات انوری بکار رفته است.
بود اشکم چون شراب لعل در زرین قدح ناله چون زیر رباب و دل برآتش چون کباب
(قص/ص ۲۶)
زنخش چیست یکی گوی بلورین در مشک ابرویش چیست دو چوگان طلی کرده نگار
(قص/ص ۱۶۵)
رشید اختیار زمانه است و طبعش در این فن چو در زلف ژولیده شانه
(قط/ص ۷۲۲)

جدول شماره ۳: بسامد و درصد انواع تشبیه باعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین

تشبیه	مفرد		مقید		مرکب	
	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد
مفرد	۱۶۶۸	۴۱/۷۱	۲۵۹	۶/۴۸	۱۴	۰/۳۵
مقید	۱۲۳۷	۳۰/۹۳	۵۰۳	۱۲/۵۸	۳۳	۰/۸۳
مرکب	۵۹	۱/۴۷	۲۹	۰/۷۲	۱۹۷	۴/۹۳
مجموع			۳۹۹۹			

۴- انواع تشبیه به اعتبار ساختار ظاهری

۴-۱- تشبیه مفروق

این تشبیه با ۳۴/۱۴ درصد بیشترین بسامد را در میان تشبیهات شاعر داراست.

بأس تو آتشیست حادثه سوز / من تو صیقلیست فتنه زدای
 (قص / ص ۴۵۰)
 دامیست چین زلفش عقل اندرو معلق / جزعیست چشم شوخش سحر اندرو مرکب
 (غ / ص ۷۷۱)
 ساقش به مثل چو ساعد حورا / دستش به مثال پای مرغابی
 (قط / ص ۷۳۳)

۲-۴- تشبیه مضمّر

یکی از زیباترین گونه‌های تشبیه، تشبیه مضمّر است؛ «زیرا در آن شاعر، کلام را طوری می‌آورد که گویی خیال تشبیه ندارد، و همین امر سبب میشود که ذهن مخاطب بیشتر به جست و جو میپردازد و ارتباط را با دقت دنبال میکند.» (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۱). این تشبیه ۱۶/۸۴ درصد از تشبیهات اشعار انوری را بخود اختصاص داده است:

نوش لب لعل تو قیمت شکر شکست / چین سر زلف تو رونق عنبر شکست
 (قص / ص ۹۰)
 به سخن لب ز هم چو بگشایی / همه روی زمین شکر گیرد
 (غ / ص ۸۱۲)
 ای کریمی که از نوال کفت / کان و دریا همیشه ناله کنند
 (قط / ص ۶۲۶)
 تاب رخ یار من نداری ای گل / جامه چه دری رنگ چه آری ای گل
 (ر / ص ۱۰۰۶)

۳-۴- تشبیه ملفوف

آن است که «چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه‌های هر کدام به ترتیب جداگانه گفته شود. اینگونه تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی «لف و نشر» است.» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۱۹). آمیزش «تشبیه» و آرایه «لف و نشر» موجب افزایش تأثیر کلام میگردد. این تشبیه ۱۵/۵۱ درصد در اشعار انوری بکار رفته است:

نه صاحبی، ملکی کز ممالک شرفش / کمینه گلشن و گلخن چو جنت است و جحیم
 (قص / ص ۳۵۲)
 ای در خجالت رخ و زلف تو روز و شب / وی در حمایت لب و چشم تو شهید و سم
 (غ / ص ۸۷۱)
 مهره و حقه است ماه و سپهر / که به شاگرد حقه باز رسد
 (قط / ص ۶۰۵)

۴-۴- تشبیه تفضیل

آن است که شاعر مشبه را به مشبهه مانند کند، سپس آن را به نوعی بر مشبهه برتری دهد. در این تشبیه، شاعر « نه تنها مشبه را به مشبهه ترجیح میدهد، بلکه همان خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب مینماید و جنبه منفی و حداقل کم خاصیتی و انفعال بدان نسبت میدهد و رابطه طرفین مبدل به تضاد و تقابل میگردد.» (طالبیان، ۱۳۸۴: ۳۴)؛ از آنجا که انوری شاعری مداح و ستایشگر است، تشبیه تفضیل و همچنین مضمرا در سطحی بسیار گسترده بکار برده است و در اغلب موارد، ممدوح و اعضا، افکار و خصوصیات او را از عناصری که به آنها مانند شده، برتری داده است که منجر به مبالغه و اغراق در اشعارش گردیده است. شمار تشبیهات تفضیل در اشعار انوری ۱۴/۹۷ درصد است:

زلف چو مشک ناب تو را بنده مشک ناب	روی چو آفتاب تو را چاکر آفتاب
(قص/ص ۱۹)	
مه و خورشید در خوبی و کشی	غلام روی خوبت شاید امروز
	(غ/ص ۸۶۲)
دل و دست تو گاه فیض و سخا	برده از ابر و آفتاب گرو
	(قط/ص ۷۲۷)

۴-۵- تشبیه جمع

آن است که برای یک مشبه، چند مشبهه آورده شود. « این نوع تشبیه را تشبیه تفضیلی نیز گفته‌اند.» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۲۰). ۹/۷۱ درصد تشبیهات انوری به صورت جمع بکار رفته است.

از روشنان شب که چو سیماب و اخگرند	پیوسته بی قرار چو سیماب و اخگرم
	(قص/ص ۳۲۶)
وز پی نفی عقل و راحت روح	راح صافی چو عقل و روح بیار
	(غ/ص ۸۵۶)
در آتش صبر چند باشم	ساکن چو سمندر و نعامه
	(قط/ص ۷۲۱)

در این نوع تشبیه، شاعر با آوردن چند مشبه و مشبهه به صورت متوالی موجب خیال‌انگیزی و کوشش ذهنی بیشتر مخاطب میشود.

۴-۶- تشبیه مشروط

در تشبیه مشروط، شاعر چیزی را با شرط و قید به چیز دیگر مانند میکند. این نوع تشبیه از جمله تشبیهاتی است که در آن « عنصر اغراق یا دعوی غلبه دارد و همین نقش دعوی یا اغراق که خود مستقلاً میتواند نوعی بیان هنری یا نوعی از صورتهای خیال شاعرانه باشد - در صورتی که از

پایه‌های ذوقی و هنری برخوردار باشد- میتواند جنبه خیالی موضوع را وسعت بیشتری دهد.»
(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۷۱). بسامد این تشبیه ۵/۵۳ درصد است.

گر ثور چو عقرب نشدی ناقص و بی چشم در قبضه شمشیر نشاندی دبران را
(قص/ص ۱۰)

اگر چون دیده و دل بودیم دی بیا کامروز چون جان جهانی
(غ/ص ۹۳۳)

سرو آزاد از قبول بندگی یابد ز تو پای تا سر هم در آن ساعت کمر بندد چو نی
(قط/ص ۷۴۵)

۴-۷- تشبیه تسویه

تشبیهی است که در آن چند مشبه به یک مشبه‌به مانند میشود. این نوع تشبیه با بسامد ۳/۰۳ درصد، جزء کم کاربردترین تشبیهات انوری است.

تا طلوع آفتاب طلعت تو کی بود یک جهان جان بود و دل همچون قصب در ماهتاب
(قص/ص ۲۶)

اشک اعمی دان مقامات حریری و بدیع پیش آن دریای مالمال از آب حیات
(قط/ص ۵۲۳)

۴-۸- تشبیه مقلوب

در تعریف تشبیه مقلوب یا عکس گفته‌اند: «آن است که دو چیز را به یکدیگر، هرکدام را بوجهی تشبیه کنند.» (همایی، ۱۳۸۶: ۲۳۶). میزان کاربرد این نوع تشبیه به نسبت دیگر انواع، بسیار اندک است و به سه مورد بیشتر نمیرسد.

پیش سیر حکم تو چون خاک، باد اندر درنگ شتاب اندر خاک باد، چون تو حلم سنگ پیش
(قص/ص ۲۳)

پشته چون هامون کند، هامون چون پشته پویه و جولان ز رخس راهوارت
(قص/ص ۴۰)

روزت چو عید فرخ، عیدت چو روز میمون وز روزه تنفس بر بسته خصم را دم
(قص/ص ۳۳۸)

جدول شماره ۴: بسامد و درصد انواع تشبیه بلحاظ شکل

نوع تشبیه	بسامد	درصد
مفروق	۳۸۳	۳۴/۱۴
مضمر	۱۸۹	۱۶/۸۴
ملفوف	۱۷۴	۱۵/۵۱
تفضیل	۱۶۸	۱۴/۹۷
جمع	۱۰۹	۹/۷۱
مشروط	۶۲	۵/۵۳
تسویه	۳۴	۳/۰۳
مقلوب	۳	۰/۲۷
مجموع	۱۱۲۲	۱۰۰

۵- وجه شبه

وجه شبه، شباهت ادعایی ایجاد شده بین مشبه و مشبه‌به است که بطور تحقیقی یا تخیلی در آن اشتراک دارند. این رکن از ارکان تشبیه، بیش از هر رکن دیگری، بنو صیف دنیای خیال شاعر می‌پردازد. در حقیقت «وجه شبه، مهمترین بحث تشبیه است، چون وجه شبه مبتین جهان بینی و وسعت تخیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند میشویم.» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۹۸).

انوری از جمله شاعرانی است که در حیطه کاربرد وجه شبه، توانایی بسیاری دارد. او از وجه شبه‌های حقیقی و خیالی بخوبی استفاده کرده و اغلب صفات واضح و ملموس را وجه شبه قرار داده است. این شاعر توجه خاصی به تشبیهات مجمل دارد؛ یعنی تشبیهاتی که وجه شبه در آن حذف شده باشد. به باور شفیعی کدکنی «تشبیهی که وجه شبه در آن یاد نشده باشد و ضمناً ذهن مستقیماً متوجه آن شود، بی‌گمان رساتر و پرتأثیرتر است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۷۰). دلیل اصلی عدم ذکر این وجه شبه‌ها، این است که مشبه‌به‌ها، دارای صفات آشکار و بارزی هستند؛ چرا که «وقتی مشبه‌به دارای صفات و ویژگی واضح و آشکاری باشد، شاعر خود را ملزم به آوردن وجه شبه نمی‌بیند.» (زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۳).

انوری در تشبیهات خویش، وجوه شبه تکراری را چندان مورد توجه قرار نداده است. وی کوشیده است در اینگونه موارد، این وجه شبه‌ها را بکمک صنایع دیگری، از جمله حسن تعلیل و اغراق تازه گرداند. نکته دیگری که در وجه شبه‌های این شاعر بچشم می‌خورد، وجود وجه شبه‌های متعدد است. این نوع وجه شبه‌ها بسیار بیشتر از انواع دیگر آن (مفرد و مرکب) بکار رفته است:

منشی فکرتم چو از دو طرف گشت معنی ستان و لفظ سپار
(قصص/ ۱۸۶)

به رأی روشن پاک آفتاب گردونست
 به قدر و جاه و شرف آسمان گردانست
 (قطا/ص ۵۵۶)

در آرزوی رویت دور از سعادت تو
 پیچان و سوگوارم چون زلف تابدارت
 (غ/ص ۷۷۱)

نوآوریها و برجستگیهای تشبیه انوری

انوری در تشبیهات خود از عناصر متنوعی بهره برده است که این تنوع نشان دهنده وسعت قلمرو علمی وی در زمینه‌های گوناگون است. او از انواع تشبیه، بخصوص تشبیهات مفرد به مفرد بسیار استفاده کرده است. بسامد بالای تشبیهات مفرد به مفرد نشانه نوآوری و همچنین زبان روان شاعر است. در میان تشبیهات این شاعر، تشبیه فشرده (بلیغ) در اشعار وی بی‌شمار است؛ بگونه‌ای که گاهی در یک بیت با ازدحام تصاویر روبرو میشویم. مانند:

هلال نعل، فلک قامت، ستاره مسیر
 زمین نوری، دریاگذار، کوپیکر
 بزور، چرخ و باواز، رعد و جستن، برق
 بقدر، کوه و تن، پیل و پویه صرصر
 (قص / ۲۱۱)

نرگس چشم و سروقامت تو
 زینت بوسستان بخواهد برد
 (غ / ۸۰۷)

از دیگر برجستگیهای تشبیهات انوری این است که او بیشترین تنوع را در وجه شبه‌هایی که بصورت تحقیقی و تخیلی بکار برده، برای «قلم» آورده است:

آنکه در معرکه سحر بیان
 قلمش همچو عصا ثعبانست
 (قص / ۸۰)

دست زمانه جدول انده بمن کشید
 زیرا که چون قلم بصفت سخت لاغرم
 (قص / ۳۲۶)

دایم چو قلم بتارکم پویان
 زان قامت و قد که چون قلم دارد
 (غ / ۸۰۲)

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان میدهد که تشبیه بعنوان رایجترین صور خیال شاعرانه، در دیوان انوری از گستردگی قابل توجهی برخوردار است. انوری از جمله شاعران موفق است که برای تفهیم اندیشه‌های خود، به زیبایی از همه نوع تشبیه در اشعار خویش استفاده کرده است. در دیوان وی بدلیل تسلط و احاطه شاعر به علوم مختلف زمان، عناصر و مواد تشبیه دارای تنوع زیادی است. او از میان این مواد، گرایش زیادی به کاربرد «ممدوح و متعلقات وی» در جایگاه مشبه داشته و از

عناصر گوناگونی برای مشبه به بهره برده است. در سروده‌های این شاعر، اضافه تشبیهی و همچنین تشبیه بلیغ کاربرد بسیار و سیعی دارد و همین امر نشان از توجه انوری به ایجاز در کلام و پرهیز از اطناب دارد. رویکرد این شاعر تصویرگرا استفاده از تشبیهات حسی به حسی است؛ خصوصاً تشبیهاتی که مشبه به آنها حسی است، در دیوان وی دارای بسامد بالایی است که بیانگر دیدگاه حسی و طبیعت‌گرای اوست. از لحاظ افراد و ترکیب طرفین، وجود تشبیهات مفرد به مفرد به مراتب بیشتر از انواع دیگر آن است و از نظر ساختار شکلی تشبیه، هنرپرترین نوع آن؛ یعنی تشبیهات مفروق از فراوانی زیادی برخوردارند. بطور کلی بررسی تشبیهات شاعر خراسانی نشان می‌دهد که وی چندان بدنبال تشبیهات نو و بدیع نبوده و از همان تصاویر شاعران قرن چهارم و پنجم بهره جسته است.

منابع

۱. بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، تهران: فردوس.
۲. تشبیهات هنری در غزل سعدی، طالبیان، یحیی؛ محمدی افشار، هوشنگ (۱۳۸۴)، کرمان: نشریه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۲، صص ۲۷-۵۲.
۳. تصویر آفرینی در شاهنامه، رستگار فسایی، منصور، (۱۳۶۲)، شیراز، انتشارات دانشگاه.
۴. دیوان، انوری، علی (محمد) بن محمد (۱۳۷۶)، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، ۲ جلد، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. سفر در مه، پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱)، تهران: بنگاه.
۶. صور خیال در خمسه نظامی، زنجانی، برات (۱۳۷۷)، تهران: امیرکبیر.
۷. صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، تهران: آگاه.
۸. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین (۱۳۸۶)، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر هما.
۹. فنون ادبی، احمدنژاد، کامل (۱۳۷۴)، چاپ دوم، تهران: پایا.
۱۰. کلیات زیبا شناختی، کروچه، بندتو (۱۳۴۴)، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، حسن لی، کاووس (۱۳۸۳)، تهران: ثالث.
۱۲. معانی و بیان، تجلیل، جلیل (۱۳۸۵)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. معانی و بیان، علوی مقدم، محمد؛ اشرف زاده، رضا (۱۳۷۹)، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۱۴. مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹)، چاپ چهارم، تهران: سخن.
۱۵. نگاهی به تصویر آفرینی در مرزبان نامه، پورنامداریان، تقی (۱۳۵۷)، به کوشش محمد روشن، هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، تهران: بنیاد فرهنگستانهای ایران، صص ۸۴-۱۲۷.